

فمینیسم و زیبایی شناسی

پگ برند¹

سارا اسکندری

تفکیک زیبایی شناسی از فلسفه هنر

زیبایی شناسی گاهی مترادف فلسفه هنر (یا هنرها) در نظر گرفته می شود. اما زیبایی شناسی حوزه ای در درون فلسفه است - عموماً از آن به عنوان حیطه مطالعاتی جدیدتری یاد می شود که آغاز آن به قرن هجدهم میلادی بر می گردد- که به نظریات ادراک می پردازد و تمرکز آن بر دریافت زیبایی و سایر کیفیاتی است که ارزش ذاتی دارند. موضوعات چنین مطالعه ای می توانند آثار هنری باشند یا نباشند. در واقع در بدو امر، نمونه هایی از دنیای طبیعت و نیز اثبات های ریاضیاتی به عنوان موضوعات مطالعاتی مناسب برای زیبایی شناسی ارائه شده و هر یک از آنها زیبایی مخصوص به خود را عرضه نموده بود.

در مقابل، فلسفه هنر از نظر زمانی به نظریات افلاطون و علاقه او به ماهیت خلاقیت و اشیاء هنری، ارزش و نقش اجتماعی آنها، و قدرت آنها برای شکل دادن به شخصیت و انتقال دانش باز می گردد اما همچنین می تواند به توجهات و مناقشات قرن بیستم پیرامون بیانگری هنر، تاکید آن [هنر] بر فرمالیسم، طبیعت پیوسته عصیانگر تر شونده آن، تفسیر قصد و نیت هنرمندان، و ارزیابی آن، هم در داخل و هم خارج از جریان غالب شناخته شده ایالات متحده، یعنی دنیای هنر با مرکزیت نیویورک نیز اشاره داشته باشد. شگفت آور نیست که دو حوزه زیبایی شناسی و فلسفه هنر می توانند یکدیگر را پوشش دهند و اخیراً با حوزه های مطالعاتی نوینی همچون پژوهش های انتقادی و مطالعات فرهنگی نیز همپوشانی پیدا کرده اند. حوزه هایی که علایق ما را به ورای اصول و قواعد هنری شناخته شده برای صنایع دستی، و به سوی معنا دادن گسترده تر به تمام انواع محصولات فرهنگی که می توانند هنری به حساب بیایند یا نه، گسترش می دهند.

از دهه 1970، زنان هنرمند شناخته شده - همچنین زنان فعال در عرصه های خلاقانه ای که قبلاً کار دستی در نظر گرفته می شدند- به تسهیل محو شدن مرزهای میان زیبایی شناسی و فلسفه هنر کمک کردند. لحاف های چهل تکه ای که برای ارج نهادن به خانواده ها و تاریخچه آنها دوخته می شد در کنار آثار هنری پارچه ای و ظروف چینی نقاشی شده، به فرسودن سد اختلافات میان هنرهای ظریف و کارهای دستی، هنر والا و هنر پست، هنر مردانه و هنر زنانه کمک نمود. پاسخ به آثار هنری که پیش از آن صرفاً مبتنی بر زیبایی شناسی پنداشته می شد، با لحاظ نمودن مولفه های غیر زیبایی شناسانه مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت. به علاوه، فمینیست ها به این نکته اشاره کردند که کیفیات غیر زیبایی شناسانه - از جمله قومیت، سیاست یا تاریخ که قبلاً در حیطه کیفیات زمینه ای قرار می گرفتند و بیگانه با کار هنری به حساب می آمدند- قطعاً در تفسیر و ارزیابی کامل و منصفانه اثر تاثیرگذار و شاید حتی ضروری اند. زنان هنرمند برای بالاتر بردن موقعیت ارتقا یافته رسانه جدید و غیر معمول، مسیر هنر اجرایی (پرفورمنس آرت) با تعریف مردانه را به سمت اندام های زنانه خویش تغییر دادند تا به بررسی مسائل مربوط به سرشت جنسی (پرفورمنس برهنه کاروله شنه

¹ Peg Brand

من^۱ همراه با مارهای زنده به ذهن خطور می کند که مشابهت هایی با تندیس های کوچک خدایان مینوی مارها^۲ مربوط به قرن هفده پیش از میلاد را به نمایش می گذاشت، پیوندهای ارگانیک با طبیعت (برای مثال، چاپ های بدنی آنا مندیتا^۳ بر روی زمین و دیواره های حجاری شده غارها)، نقش های جنسیتی و نژادی در درون جامعه (نقاب آدریان پایپر^۴ در معابر عمومی به شکل یک مرد سیاه پوست با موهای آفریقایی)، و جراحی های زیبایی (جراحی های زیبایی متعدد هنرمند فرانسوی هنرهای اجرایی، اورلان^۵، به قصد نشان دادن پوچی زنانی که ایده آل های زیبایی طبق تعاریف مردانه را جستجو می کنند) پردازند. این هنرمندان گرچه مستقیماً با فیلسوفان وارد گفتگو نشدند، اما مکرراً سنت های عمیق در باب معانی «هنر» و «تجربه زیبایی شناختی» مطابق با تعریف مردان سفیدپوست اروپایی یا امریکایی طبقات متوسط یا مرفه را که خود را صاحب سلیقه می دانستند، به چالش می کشیدند؛ مردانی که نقش مناسب زنان را محدود به ظاهر شدن در هنر می دانستند و نه در آفرینش آن.

ورود نظریه فمینیستی به زیبایی شناسی

تعداد مقالاتی که به رابطه میان فمینیسم و زیبایی شناسی می پردازند، در ادبیات گستره تر زیبایی شناسی نسبتاً محدود است. چندین بررسی اجمالی در این حوزه وجود دارند که به اختصار به برهم کنش نظریه پرداز فمینیستی و زیبایی شناسی پرداخته اند؛ این حوزه پژوهش برای بعضی از فیلسوفان با عنوان «زیبایی شناسی فمینیستی» شناخته می شود در حالی که برای برخی دیگر که در مقابل این عبارت مقاومت می کنند، عبارت پرداز فمینیسم و زیبایی شناسی است (برند 1998؛ ورث^۶ 1998؛ دورو^۷ 2003؛ کورسمیر^۸ 2004؛ ایتون^۹ 2005). اما هنوز آثار پژوهشی و متون زمینه یابی وجود دارند که فاقد هر گونه اشاره ای به فمینیسم هستند. دلیل چیست؟ شاید علت این باشد که چهره هایی چون کانت^{۱۰} واکاوی فلسفی نقش زنان در تاریخ هنر و جنسیتی سازی مفاهیم تاریخی را ترویج داده اند، در حالی که تمرکز بر نقد و نظریه هنر فمینیستی تنها به تازگی به زیبایی شناسی تحلیلی راه یافته است. [لذا] پذیرش آن در جریان غالب، کند و دشوار بوده است.

¹ Carolee Scheneeman

² Minoan snake goddess: تمدن مینوی به تمدن جزیره کرت در عصر مفرغ اطلاق می شود.

³ Ana Mendieta (1948-1995) یک هنرمند هنرهای اجرایی، مجسمه ساز و نقاش کوبایی-امریکایی است که شهرت خود را بیش از هر چیز مرهون مجموعه آثار خود با نام «زمین-بدن» است.

⁴ Adrian Piper: آدریان پایپر از نسل اول هنرمندان مفهومی و فیلسوفان انتقادی است که در نیویورک به دنیا آمد و سالها در کیپ کاد ماساچوست به خلق آثار خویش پرداخت. در سال 2005 به شهر برلین آلمان مهاجرت کرد و از آن زمان به عنوان سردبیر ژورنال فلسفه برلین فعالیت می کند.

⁵ Orlan

⁶ Worth

⁷ Devereaux

⁸ Korsmeyer

⁹ Eaton

¹⁰ Kant

دلایل متعددی را می توان برای این مسئله برشمرد که دلایل اجتماعی (هنوز در عرصه زیبایی شناسی، همانند فلسفه عمومی، تعداد زنان فعال به مراتب کمتر از مردان است و زنان عموماً به تالیف پژوهش های فمینیستی می پردازند)، مفهومی (مقاومت در برابر پژوهش هایی که بر جنسیت، نژاد، یا طبقه اجتماعی تاکید دارند، به نفع یک رویکرد زیبایی شناسانه محض در بحث پیرامون آثار هنری)، و ایدئولوژیک (اصرار بر بررسی و آموزش بیشتر قوانین تثبیت شده، یا هسته اصلی ادبیات فلسفی که زیبایی شناسی «واقعی» قلمداد می شود) کوچکترین شان نیستند. تاریخچه و نقش فعلی فمینیسم چیست و چگونه در بستر در حال گسترش زیبایی شناسی فلسفی و فلسفه هنر، پیش رفته است؟

این واقعیت را در نظر بگیرید که نخستین ژورنال های انگلیسی زبان فلسفه آکادمیک که به طور خاص به فمینیسم اختصاص یافته بودند، وحدت گرا¹ و بحث آزاد فلسفی² (هر دو در سال 1973) بودند. پژوهش های فمینیستی در حوزه های مکمل هنر نظیر تاریخ هنر، نقد و نظریه نیز در همین زمان آغاز شدند و با سوال مطرح شده توسط لیندا ناچلین³ در مقاله معروف او «چرا هیچ هنرمند زن بزرگی وجود نداشته است؟»⁴ که در سال 1971 منتشر شد، به قابل ملاحظه ترین شکل، خیزش خود را آغاز نمودند (1988). بسیاری از زنان هنرمند پنج قرن گذشته که پیش از این گمنام و ناشناس بودند، به تدریج توسط مورخان شناسانده شدند (تافت⁵ 1975؛ هریس⁶ و ناچلین 1976؛ پترسون⁷ و ویلسون⁸ 1976؛ چادویک⁹ 2002). بیرون آوردن هنرمندان از تاریکی و ابهام طبیعتاً سوال هایی را درباره عدم حضور و حذف شدن آنها از متون استاندارد تاریخ هنر (حذف آنها تا اوایل دهه 1980 ادامه داشت) برانگیخت که فاز کاملاً جدیدی را در بررسی های نظری ایجاد می کرد. پژوهشگران فمینیست که به تحلیل جدی موقعیت های اجتماعی در برگیرنده خلاقیت و تولید زانی که در دوره خود به شهرت رسیده بودند – بسیاری از آنها حامیان برجسته، کارهای سفارشی از پیش پرداخت شده و کارگاه هایی مملو از هنر آموز داشتند – معروف بودند، تلاش کردند تا منزلت از دست رفته و گمنامی این هنرمندان قابل را سبب شناسی کنند. این متون در تاریخ هنر و نظریه هنر، در کنار تجارب و آثار هنری زنان هنرمند، سنگ بنای بررسی های فلسفی فمینیستی در حوزه زیبایی شناسی شدند.

فمینیسم و تاریخ هنر: *وارسی نوای مناجات*¹⁰، به عنوان نخستین مجموعه از مقالات تاریخی-هنری فمینیستی، بر تحلیل های زبان شناختی، فرضیات جامعه شناختی، و مقایسه های میان فرهنگی متمرکز شد و کوشید با بررسی «تاریخ هنر غربی و میزان تحریف شدگی آن به واسطه سوگیری های جنسیتی در هر دوره مهم تاریخی» میان خود و فهرست بندی ها و تک نگاری های استاندارد تمایز قائل شود (برود¹¹ و گرارد¹² 1982: 1). پژوهش های جدید از طریق متونی با عنوان هایی فریبنده همچون *نژاد دریند: موفقیت های زنان نقاش و آثار آنان*¹³ (گری¹⁴ 1979)، *بانوان کهن: زنان*

¹ The Monist

² Philosophical Forum

³ Linda Nochlin

⁴ Why Have There Been No Great Women Artists?

⁵ Tuft

⁶ Harris

⁷ Peterson

⁸ Wilson

⁹ Chadwick

¹⁰ Feminism and Art History: Questioning the Litany

¹¹ Brode

¹² Garrard

¹³ The Obstacle Race: The Fortunes of Women Painters and Their Work

¹⁴ Greer

هنر و ایدئولوژی^۱ (پارکر^۲ و پولاک^۳ 1981)، پیام را گرفتی؟ یک دهه هنر برای تغییر اجتماعی^۴ (لیپارد^۵ 1984)، و هنر و سیاست جنسیتی: آزادی زنان، زنان هنرمند، و تاریخ هنر^۶ (هس^۷ و بیکر^۸ 1973) به دنبال فروپاشی کلیشه‌ها درباره زنان هنرمند بودند. نقد فمینیستی در دهه 1970 و 1980 به میزان زیادی توسعه یافت و نویسندگان پژوهش‌های متنوعی را از منظر جنسیت در هنر ترتیب دادند که پیش از این هرگز مورد توجه قرار نگرفته بود؛ از این جمله اند اعتراض کریستین بتززی^۹ به مفهوم منحصرأ مردانه «نابغه»^{۱۰} (1989)، بینش نائومی شور^{۱۱} نسبت به مقوله جزئیات در هنر و ادبیات که به بیان او، یک طبقه زیبایی شناختی به وجود آورده است که به طور معمول زنانه پنداشته می‌شود (1987)، و در یک سطح خود-بیانگر تر تفسیر، درباره خود نقد فمینیستی-زیر سوال بردن استفاده از مفاهیم «مردانه» و «زنانه» به عنوان روش شناسی تحلیل، جدا از شرایط اجتماعی تولید و پذیرش آنها که توسط ریتا فلسکی^{۱۲} مطرح شد (1989).

به همین صورت، علاقه رو به تزایدی نسبت به آثار خلاقانه زنان نویسنده، فیلم ساز و آهنگساز برانگیخته شد و به جایگاه امنی در میان رشته‌های فیلم پژوهی، نظریه‌های ادبی و موسیقی شناسی دست یافت. نویسندگان غیر امریکایی مانند سیلوپا بوونشن^{۱۳} در آلمان غربی (1985)، که اصل مقاله او در سال 1976 منتشر شد، و نویسندگان فرانسوی، لوس ایریگاری^{۱۴} (1974/1985) و ژولیا کریستوا^{۱۵} (1982)، درباره کیفیات منحصر به فرد جنس زن و نحوه تاثیر جنسیت بر توصیف خلاقیت، نحوه ابراز و تفسیر در هنرها می‌نوشتند. این جریان اروپایی متمرکز بر تجارب و دستاوردهای زنان در هنرها، با پژوهشگری فمینیستی در حوزه‌های فلسفه امریکا همچون علم اخلاق، فلسفه اجتماعی-سیاسی، فلسفه قانون، فلسفه علم، تاریخ فلسفه، متافیزیک و معرفت شناسی همزمان بود. اما زیبایی شناسی فلسفی در طی دهه‌های 1970 و 1980 همچنان مسائل مربوط به جنسیت را مسکوت گذاشت.

پیدایش چالش‌های فمینیستی در رابطه با زیبایی شناسی

¹ Old Mistresses: Women, Art and Ideology

² Parker

³ Pollock

⁴ Get the Message? A Decade of Art For Social Change

⁵ Lippard

⁶ Art and Sexual Politics: Women's Liberation, Women Artists, and Art History

⁷ Hess

⁸ Baker

⁹ Christine Battersby

¹⁰ Genius

¹¹ Naomi Schor

¹² Rita Felski

¹³ Sylvia Bovenschen

¹⁴ Luce Irigaray

¹⁵ Julia Kristeva

تالیفات فمینیستی در حوزه زیبایی شناسی آکادمیک امریکا تا حدود بیست سال پس از مقاله معروف ناچلین و تا زمانی که یک مقاله ویژه زیبایی شناسی با نام «فمینیسم و زیبایی شناسی»^۱ در هیپاتیا: ژورنال فلسفه فمینیستی^۲ (هاین^۳ و کورسمیر 1990) منتشر شد، به چشم نمی خوردند. در همان سال مقاله ویژه «فمینیسم و زیبایی شناسی سنتی»^۴ نیز در ژورنال زیبایی شناسی و نقد هنر^۵ (برند و کورسمیر 1990) منتشر شد. دو مولف همکار انگلیسی، پنی فلورنس^۶ و نیکولا فاستر^۷، مروری بر ادبیات انگلستان ارائه کردند (1998؛ a2000؛ b2000) که به عدم حضور پژوهش های فمینیستی در ژورنال انگلیسی زیبایی شناسی^۸ در تمام طول انتشار آن اشاره داشت. بدین ترتیب، علیرغم اوج گیری توجه بین المللی نسبت به خلاقیت هنری زنان و علاقه رو به رشد به پژوهش های فمینیستی در بستر فلسفه امریکایی، ورود فمینیسم به زیبایی شناسی امریکایی و انگلیسی به عنوان یک موضوع جدی، با تاخیر زیادی نسبت به سایر موضوعات فمینیستی اتفاق افتاد. به عنوان توجیهی برای این مسئله می توان به مقاومت شدید زیبایی شناسان تحلیلی نسبت به دیدگاه هایی اشاره کرد که متضمن مفهوم پیچیده بی طرفی، یعنی فاصله گرفتن فرد دریافت کننده از علایق اش – اعم از علایق اخلاقی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی، بوم شناختی و غیره – نیستند. از آنجا که این میراث قرن هجدهمی، آثار گسترده و پایدار داشته است، شایسته است که مورد بررسی عمیق تر قرار گیرد.

ساختار پنج قسمتی مرسوم که توسط فیلسوفان تجربه گرای انگلستان به خدمت گرفته شده بود، بنیانی برای دو قرن تفکر بنا نهاده بود که بر تجربه زیبایی شناسی فرد، و به طور خاص بر تجربه زیبایی تمرکز داشت. اولین مولفه آن ادراک بود، یعنی شیوه ای که هر فرد با استفاده از آن، موضوعات جهان و خصایص آنها را می شناسد. مولفه دوم نیروی ذوق و سلیقه بود. مفهومی که در میان اعضای گروه، از جوزف ادیسون^۹ که به طور مبهمی آن را مترادف با تخیل در نظر گرفته بود، تا فرانسیس هاچسون^{۱۰} که آن را به صورت حس درونی زیبایی توصیف می کرد، متفاوت بود. این حس – مانند حواس خارجی فرد – در حین کنش ادراک حسی، به طور خودکار در کسری از ثانیه برانگیخته می شود. آن را بی طرف و غیر ذینفع می دانند، یعنی فاقد هر «احساسی که بتواند نسبت به سود یا ضرر بعدی به واسطه استفاده از چنین موضوعاتی گرایش یابد» (هاچسون 1977: 573). مولفه سوم نظریه سلیقه، محصول روانی ای است که در اثر واکنش نیروی سلیقه حاصل آمده و عموماً به صورت لذت درک می شود (بدون در اختیار داشتن تمایل و اراده). چهارمین قسمت ساختاری، نوع موضوع (یا رویداد، مثل یک اجرای نمایشی) در دنیای ادراک شده ای است که با ویژگی های خاص و معینی (خصوصیات زیبایی شناختی) مورد ملاحظه قرار گرفته است تا موضوع را به ارزش ذاتی بیاراید. موضوع در نظر هاچسون دارای کیفیات همسانی در عین گونه گونی و در نظر ادسون برک^{۱۱} دارای کیفیات نرمی و کوچکی است. پنجمین و آخرین قسمت ساختاری، قضاوت فرد از سلیقه است، مانند «این نقاشی زیباست»، که کاربرد آن همچون سنگ نمای کل فرآیند است.

فیلسوفان فمینیست به شدت نسبت به تماشاگران هنری مرد که لذت بی طرفانه ای را – خصوصاً هنگامی که به تصویر هوس انگیز و اروتیک یک زن زیبا چشم دوخته اند – گزارش کرده یا از آن حمایت کرده اند، بدبین بوده اند. فمینیست ها به تناقضات و مغالطه کاری ها در نفی تجربه گرایانه اعمال علاقه پی برده اند و افتراق انعطاف ناپذیر میان کیفیات زیبایی شناختی و غیر زیبایی شناختی را با

¹ Feminism and Aesthetics

² Hypatia: A Journal of Feminist Philosophy

³ Hein

⁴ Feminism and Traditional Aesthetics

⁵ The Journal of Aesthetics and Art Criticism

⁶ Penny Florence

⁷ Nicola Foster

⁸ The British Journal of Aesthetics

⁹ Joseph Addison

¹⁰ Francis Hutcheson

¹¹ Edmund Burke

ادغام تعمدی عوامل زمینه ای، مانند عوامل اجتماعی، اخلاقی و سیاسی به معنا و ارزشیابی هنر، به چالش کشیده اند. شایسته است به این نکته توجه کنیم که فیلسوفان جریان غالب در اواخر دهه 1990 نیز بدون اینکه تالیفات فمینیستی را تصدیق کنند، چنین روابطی میان زیبایی شناسی و اخلاقیات را پذیرفته بودند (لوینسون¹ 1998).

فمینیست ها در چالش های بعدی با تالیفات معیار زیبایی شناسی، قرائت های جدیدی از نظریات سنتی در باب سلیقه، زیبایی و والایی ارائه داده اند که نواقص مفاهیمی که بی طرف و جهان شمول فرض شده بودند را به نمایش می گذارند. آنها معیار کلاسیک سلیقه دیوید هیوم² - که تنها در ید قدرت مردان سفیدپوست تحصیلکرده و کارآموده در هنرها بود- را به چالش کشیده اند و آرای جامع کانت در باب زیبایی را با ارزیابی مجدد پیش فرض های اولیه درباره طبیعت انسان، که قوای عقلانی مردانه را به رسمیت می شناسد و مکر زنانه را تحقیر می کند، زیر سوال برده اند. آنها سلسله مراتب پاسخ های زیبایی شناسانه که تجربه گرایان به واسطه آنها والایی (مردانه در نظر گرفته شده) را بالاتر از زیبایی (زنانه) قرار داده و بدین ترتیب سوگیری های بیشتری را به وجود آوردند را مورد تردید قرار داده اند. کارولین کورسمیر، تحلیل غیر معمولی از سلیقه فراهم آورده که در آن، به مفهوم تجربی قرن هجدهمی بازگشته است اما این بار آن را به قلمروهایی که سابقاً نادیده گرفته می شدند، گسترش داده است. یعنی سلیقه را دربرگیرنده حواس جسمانی بو، دید، و لذات چشایی دانسته است (1999).

نشریات متعددی به تثبیت جایگاه شکننده فمینیسم در بستر زیبایی شناسی فلسفی پرداخته اند. دو کتاب به عنوان ویرایش های مبسوط از دو مقاله اولیه منتشر شده در دهه 1990 با نام های زیبایی شناسی از منظر فمینیسم³ (هاین و کورسمیر 1993) و فمینیسم و سنت در زیبایی شناسی⁴ (برند و کورسمیر 1995) منتشر شدند. کتاب اول از دل یک شماره ویژه ژورنال فلسفه فمینیستی بیرون آمد و بر این اساس، فرض را بر این گذاشته بود که مخاطبانش با آراء و روش شناسی فمینیستی آشنا هستند. این کتاب (در کنار موارد دیگر) به بحث درباره پرسشی می پردازد که ابتدا در سال 1976 توسط سیلویا بوونشن درباره زیبایی شناسی زنانه -در مقابل زیبایی شناسی فمینیستی- مطرح شد. هیله هاین در این کتاب، خواستار مطالعه زیبایی شناسی در درون فلسفه فمینیستی می شود. چند تن از مولفان این کتاب تلاش می کنند رجحانی که فلسفه دائماً برای ویژگی های زیبایی شناختی/ فرم گرایانه در مقایسه با ویژگی های غیر زیبایی شناختی قائل می شود را از میان بردارند. نویسندگان دیگر، وظیفه بررسی آرایش شناختی هنرمند در بافت سیاسی-اجتماعی او، مثلاً نژاد و جنسیت اش، و نقشی که این مولفه ها در ارزیابی هنری ایفا می کنند را به عهده گرفتند.

مخاطبان کتاب دوم، فمینیسم و سنت در زیبایی شناسی را فیلسوفان آموزش دیده در زیبایی شناسی تحلیلی و نا آشنا با پژوهش، روش شناسی، و سایر حوزه های مطالعات فمینیستی، چه در هنر و چه در فلسفه فمینیستی عمومی تشکیل می داد. با قرار گرفتن متفکران فمینیست تازه نفس در قلمروی گسترش یافته تالیفات فلسفی تاریخی درباره هنر بر اساس سنت تحلیلی، فمینیسم وارد چالش دیگری در برابر سنت های گذشته شده که در واقع کاملاً مشابه تغییر مسیر فیلسوفان انتقادی نیمه قرن بیستم و به مبارزه طلبیدن ماهیت باوری موجود در اصرار پیشینیانشان بر تعریف نمودن «هنر» و ابرام بر معیارهای کهن زیبایی است. مقالات، از تحلیل های انتقادی درباره مفاهیم تاریخی تا استراتژی های تفسیری درباره فرم های مختلف هنری گسترده است و دیدگاه های نامأنوسی نسبت به زیبایی شناسی سنتی، مانند دیدگاه یک ناظر مونث سیاه پوست، یک فیلمساز ویتنامی، یک زن معلول، و مادری که به تحلیل افسانه های مربوط به مادران و دختران می پردازد را در بر گرفته است. فمینیست ها در این کتاب با محرز دانستن تاکید بر جنسیت و نژاد در خلاقیت و ارزشیابی هنری، چالشی دو جانبه را نسبت به اصول و قواعد آثار هنری تقدیر شده از یک سو، و بنیان های مسلم

¹ Levinson

² David Hume

³ Aesthetics in Feminist Perspective

⁴ Feminism and Tradition in Aesthetics

دانسته شده این اصول در مطالعات فلسفی در طی قرن‌ها از سوی دیگر، به پا کرده‌اند. نقد فمینیستی در این مجموعه، چالشی فرا-انتقادی را نسبت به هرآنچه قبلاً آمده است در پیش گرفته: نسبت به پذیرش اصول تاریخی هنر که می‌کوشند بدون طرح هیچ سوالی، ارزش زیبایی‌شناختی منتسب به آثار هنری «برجسته» را توضیح دهند.

پژوهش‌های در حال انجام در زمینه تاریخ هنر، نقد هنری، و نظریه فمینیستی، به تقویت این ادعاهای فیلسوفان فمینیست کمک می‌کنند که یک تاریخ هنر جدید - تجدیدنظر خواهانه - پایه‌گذاری شده است، متفکران فمینیست پرسش‌های دشواری مطرح نموده‌اند که باید پاسخ داده شوند، و اینکه زیبایی‌شناسی تحلیلی دیگر نمی‌تواند بافت فرهنگی و تاریخی (مولفه‌هایی چون جنسیت، نژاد و طبقه اجتماعی) یک اثر هنری را نادیده بگیرد.

نقش زنان هنرمند در زیبایی‌شناسی فمینیستی

زنان هنرمند امروز که از اوایل دهه 1970 پا به عرصه گذاشته‌اند، نقشی تعیین‌کننده در تلاش‌های فمینیستی برای تثبیت زنان در میان حریفان سرسخت‌شان در دنیای هنری به شدت رقابتی و تحت سلطه مردان، و پارادایم‌های متاخر در حوزه فلسفه هنر فمینیستی داشته‌اند. منتقدان و نظریه پردازان هنری فمینیست از زنان هنرمند گذشته عبور کردند و با تمرکز بر همعصران خود، به برجسته‌سازی آنها پرداختند. این حرکت آنها با خیزش و اقبال عمومی نسبت به گالری‌های جدید و گروهی زنان، و ژورنال‌های هنری منتشر شده (که بیشتر آنها دیگر وجود ندارند) همزمان بود. محتوای هنر فمینیستی به صورت بخشی از دستور کار زنان هنرمند و نویسندگان برای اشاعه پیام تغییر اجتماعی، سرنگونی مردسالاری، و عدالت بیشتر برای تمام زنان از جمله اقلیت‌ها در آمده است (پایپر 1996؛ فاریس-دوفرن¹ 1997). در حالی که تاثیر نخستین دهه‌های هنر زنان تدریجاً با وضوح بیشتری مورد توجه قرار می‌گرفت (برود و گارد² 1994)، نوشته‌های جودی شیکاگو³، برای بیش از سی سال بینشی نسبت به روان و انگیزه هنرمندان فراهم کرد (شیکاگو 1996). فمینیست‌ها در سراسر ممالک غربی به تجلیل از هنرمندان خویش پرداختند. عده‌ای از مولفان انواع نوینی از نقد هنری فمینیستی را ابداع کردند (دیپول⁴ 1995) و دیگران قدمی به عقب برداشتند تا به ارزیابی تصویر کلی این اقدامات بپردازند و برآورد کنند که به عنوان یک حوزه مطالعاتی جداگانه و در عین حال دارای ارتباط درونی، تا چه حد پیش آمده‌اند (رابینسون⁵ 2001).

وقتی زنان به اطراف خود می‌نگریستند - به خودشان و همتایانشان که هنوز در درون دنیای هنری غالب به حاشیه رانده می‌شدند - حس فزاینده‌ای از طعن و کنایه را احساس می‌کردند. این حس به انسجام و تشجیع گروهی از زنان که خود را تحت نام گرپلا گرلز⁶ (دختران پارتیزان) سازماندهی کردند، کمک نمود (آیزاک⁷ 1996). از سال 1985 به بعد، بی‌عدالتی‌های دنیای هنر از طریق

¹ Farris-Dufrene

² Garrard

³ Judy Chicago

⁴ Deepwell

⁵ Robinson

⁶ Guerilla Girls

⁷ Isaak

پوسترهای طنزی که آزادانه در نیویورک سیتی پخش شده و در آنها از ابزار ریشخند و بی حرمتی برای به نمایش گذاشتن مفهوم «وجدان فرهنگ»^۱ مورد ادعای آنها استفاده شده است، به سمع و نظر مردم رسیده اند (هوبان^۲ 2004). دختران پارتیزان به صورت ناشناس و با استفاده از نام زنان هنرمندِ درگذشته ای چون کته کلویتس^۳ و فریدا کالو^۴، همواره به انتشار کتاب، فروش تی شرت و توزیع اطلاعات درباره نابرابری های جنسیتی و نژادی در دنیای هنر، تئاتر، فیلم، سیاست و به طور کلی در فرهنگ جامعه ادامه داده اند (1998؛ 2003). آنها همیشه با نقاب گوریل در اجتماعات ظاهر می شوند (برای تمرکز بر مسائل به جای ابراز شخصیت خویش) و بر طبق وب سایت شان، «برای انتقال اطلاعات، برانگیختن بحث، و نشان دادن اینکه فمینیست ها می توانند بامزه باشند»، از طنز استفاده می کنند. آنها تورها و نمایش هایی را در سراسر کشور [آمریکا] تدارک می بینند و به اعلان و انتشار پروژه خود، «اختراع دوباره "کلمه ف" - فمینیسم^۵» می پردازند. آنها معروف شده اند به اینکه با مقایسه خود با «سنت غالباً مردانه قهرمانان گمنام مانند رابین هود، بتمن و تکاور تنها^۶»، سوالات جهت داری را مطرح می سازند و تقاضای پاسخ دارند. به عنوان مثال، در آخرین متن انتشار یافته شان درباره موزه های هنر پرسیده اند: «چرا آنها دارایی خود را صرف یک نقاشی از یک مرد نابغه سفیدپوست می کنند در حالی که می توانند به جای آن، صدها کار عالی از آثار زنان و رنگین پوستان تهیه کنند؟» (2004)

تاملات فیلسوفان فمینیست درباره خودنگاری و زنان به مثابه موضوعات زیبایی

پژوهش فمینیستی که متون فلسفی را تحت تاثیر قرار داده است، حداقل در دو زمینه مشخص پیشرفت کرده است که ذکر آنها در اینجا ارزشمند است. یکی از آنها قلمروی خودنگاری است که عمدتاً استفاده از بدن زنانه را، مثلاً در هنرهای اجرایی شامل می شود و دومی گرایشی سطحی است به تصویر کردن زنان به عنوان موضوع زیبایی، در مخالفت با سنتی که طی بیش از دو هزار سال توسط مردان هنرمند تثبیت شده است و در آن، زنان منابع منفعل، در دسترس و علاقمند به ارضای جنسی و لذت در نظر گرفته شده اند. زنان از بدن خود برای به مبارزه طلبیدن جایگاه و قدرت تاریخی مردان هنرمند نسبت به بدن زن، و کسب مالکیت و کنترل نسبت به تصویرسازی از خویش از دیدگاهی عمیقاً و منحصراً زنانه استفاده کرده اند. حتی اغلب می توان نقاشی های دهه 1940 جورجیا اوکف^۷ از گل ها را نیز به عنوان اولین نمونه استعاره های بصری از اندام های جنسی زنانه تفسیر نمود. این درون نگری زنان هنرمند به نوبه خود، بازنمایی های زنان از خودشان را در کانون توجه منتقدان فمینیست قرار داد (بورزولو^۸ 1998) و از جمله جودی شیکاگو و همکار نویسنده اش، ادوارد لوسی-اسمیت^۹، جسم سبک و لطیف اندام زن را به لقب «قلمروی مورد نزاع»^{۱۰} ملقب کردند (1999).

¹ Conscience of Culture

² Hoban

³ Kathe Kollwitz

⁴ Frida Kahlo

⁵ Reinventing the "F word"- feminism

⁶ Lone Ranger

⁷ Georgia O'Keeffe

⁸ Borzello

⁹ Edward Lucie-Smith

¹⁰ Contested territory

به تایید تعدادی از مقالات منتشر شده در شماره ویژه اخیر هیپاتیا: ژورنال فلسفه فمینیستی^۱ با عنوان «زنان، هنر و زیبایی شناسی»^۲، فیلسوفان فمینیست توجه خود را مستقیماً معطوف به این هنرمندان و تصویرسازی های آنها از خودشان کرده اند (برند و دورو^۳ 2003). این مجموعه به صورت نوعی خودآموز، یک مرور و ارزیابی اینکه فمینیسم در طول سیزده سال، از زمان انتشار اولیه هیپاتیا در سال 1990 در حوزه زیبایی شناسی فلسفی به کجا رسیده، طراحی شده است. اندازه گیری روند پیشرفت طی این سال ها، بازتابی از جریان زمان - قرن جدید، هزاره جدید - را بدست می دهد. بخش قابل توجهی از این نشریه به دیدن دوباره آثار زنان هنرمندی چون آدریان پایپر، جنی سویل^۴ و رنه کاکس^۵ به شیوه ای جدید اختصاص یافته است: یعنی پررنگ کردن تجربیات زنان به عنوان هسته بیان هنری و نقد ارزیابانه. در این شماره نشریه، منتقد هنری، النور هارتنی^۶، از منشور تصورات کاتولیکی برای فهم آثار بحث برانگیز جناین آنتونی^۷ که زمین گالری را با موهای آغشته به رنگ خود پاک می کند استفاده می نماید. میشل میگر^۸ زیبایی شناسی فمینیستی بیزاری را به منظور توضیح برهنگان عظیم الجثه کشیده شده توسط جنی سویل فرمول بندی می کند و جوانا فرو^۹ مفهومی افراطی از زیبایی را در زیبایی شناسی مهلبلی به عنوان روشی برای جبران ارزیابی معمول اندام های جنسی زنانه که آنها را زشت و زنده می دانست، ارائه می نماید.

توجهی که زنان به بدن و تصویرسازی هنری از خودشان نشان دادند، به جهت دهی به خیزش دوباره علاقه به زیبایی در دهه 1990 توسط جریان غالب دنیای هنر کمک کرد هرچند که منتقدان مرد هرگز تایید چندانی از آن به عمل نیاوردند (برند 2000). متفکران فمینیست بر استفاده های جدید از بدن زنانه در برانداختن قراردادهای قدیمی زیبایی متمرکز شدند. وندی اشتاینر^{۱۰} کوشیده است پدیده ای که «ونوس در تبعید»^{۱۱} نامیده است - اوجاج یا ابهام تصاویر زنان در قرن بیستم همراه با پس زدن زیبایی توسط هنرمندان هنر انتزاعی (2001) - را تبیین کند در حالی که فرنست پکتو^{۱۲} پیشتر تبیین روان تحلیلی را برای نشانگان زیبایی پیشنهاد داده بود (1994). جوانا فرو مکاشفه «هیولا/زیبایی» و رابطه آن با بدنسازی و عشق را بر عهده گرفت (2001). فشار معیارهای سفیدپوستان برای زیبایی، هنرمندان و نویسندگان را به این نتیجه رسانید که آفریقایی-آمریکایی ها باید سطح دیگری از معنای *اخلاق* را در زیر سطح ظاهری معنای زیبایی شناسانه نمودها و بازنمایی ها به بحث بگذارند (روکز 1996). فیلسوفان فمینیست به سرعت به مباحثات مرتبط با نژاد و جنسیت که خط مقدم نقد فمینیستی را تشکیل می دهند پیوسته، و بدین طریق روش تحقیق فلسفی منحصر به فرد و چشم انداز بی مانندی را به این دانش افزوده اند.

¹ Hypatia: A Journal of Feminist Philosophy

² Women, Art and Aesthetics

³ Devereaux

⁴ Jenny Saville

⁵ Renée Cox

⁶ Eleanor Heartney

⁷ Janine Antoni

⁸ Michelle Meager

⁹ Joanna Frueh

¹⁰ Wendy Steiner

¹¹ Venus in exile

¹² Francette Pacteau

برای مثال سینتیا فریلند¹، با برابر هم نهادن آثار متضاد زنان در رابطه با زیبایی و خون، این سوال فلسفی استاندارد را مطرح نموده است که «اما آیا این هنر است؟» (2001). دیانا میرز² در جنسیت در آینده: تصویرسازی فرهنگی و عاملیت زنان³، به بررسی نقش تعیین کننده ای که عاملیت و خودآگاهی برای زنان گرفتار آمده در جوامع دارای تصویرسازی های مردسالارانه، تبلیغات زیبایی محور، و فشار -از طرف هر دو جنس- برای مطابقت با استانداردهای غیر واقعی کمال جسمی ایفا می کند می پردازد (2002). آن کاهیل⁴، منع فلسفی لذت را با اعتبار دادن به لذت زنانه موجود در تجربیات جمعی و مناسک زیبایی زنانه مورد بازنگری قرار می دهد (2003). ریچارد شاسترمن⁵ قرائتی عملگرایانه از دیدگاه سیمون دوبوار⁶ درباره بدن را پیشنهاد می دهد که در آن بدن و حواس آن، مرکز احساسات زیبایی شناسانه و لذت هستند (2003). شیلا لیتات⁷ از مفهوم امر والای کانت برای توضیح پدیده اختلال خوردن در آیین ریشه دار لاغری که ایده آل زیبایی به حساب می آید استفاده می کند (2003).

پیشرفت های آینده

نوشته آگاهی بخش کارولین کورسمیر، جنسیت و زیبایی شناسی: یک پیشگفتار⁸، که با قدرت به ادامه و آینده تفکر فمینیستی در زیبایی شناسی فلسفی می پردازد، اولین مقدمه جامع در این حوزه است. او با تحقیق بر روی موضوعات جدیدی چون ناخوشایندی، پست شماری، و حوزه مهلک «جنسیت عمیق⁹» که آن را به صورت «تفکر جنسیتی در چسبیده ترین و عمیق ترین سطح» و پایین تر از گزاره های «سطحی» به ظاهر بی خطری که «بی ضرر و خنثی» به نظر می آیند توصیف می کند، دامنه زیبایی شناسی فلسفی را بازهم گسترده تر می سازد (کورسمیر 2004a). پژوهش هایی که جنسیت را اولین و مهمترین مسئله در تحلیل دقیق هنرمندان، آثار هنری و درک و دریافت هنری می دانند، تعداد زیادی از رشته های علمی با گستردگی غیر واقعی شان را گرد هم آورده و پوشش داده اند. موضوع آنها موضوعات آشنایی هستند که با رویکردی جدید، تازه و فراگیر دوباره به آنها پرداخته شده است.

آینده چه در آستین دارد؟ یک پیشنهاد پیشگویانه توسط استلا لاور¹⁰ در درخواست او از فمینیست ها برای ایجاد یک گفتمان میان رشته ای واقعی جهت جلوگیری از «بحران» زیبایی شناسی در آینده ارائه شده است. طرح او این موارد را شامل می شود:

¹ Cynthia Freeland

² Diana Meyers

³ Gender in the Mirror: Cultural Imagery and Women's Agency

⁴ Ann Cahill

⁵ Richard Shusterman

⁶ Simone de Beauvoir

⁷ Sheila Lintott

⁸ Gender and Aesthetics: An Introduction

⁹ Deep gender

¹⁰ Estella Lauter

یک کنفرانس بین‌المللی با دعوت از تمام احزاب فمینیست علاقمند به مباحثات فلسفی با حضور انواع زیبایی‌شناسی پیرامون ماهیت تجربه زیبایی‌شناختی، تقیدات سیاسی در هنر، نظریه، تفاوت، تضاد، و بسیاری مسائل مادی و غیر مادی دیگر که در شرایط فعلی ممکن است مرتبط یا غیرمرتبط باشند.

(لاوتر 2003)

برند و دورو (2003) هم با نگاهی به آینده، توجه به دو حوزه مهم که هنوز بدانها پرداخته نشده است را توصیه می‌نمایند. حوزه اول، تاریخچه خود زیبایی‌شناسی است. فمینیست‌ها با مشاهده علاقه مختصری که به تاریخچه رشته خود ابراز نموده‌اند، خواستار تأمل بیشتر بر چهره‌های تاریخی همچون افلاطون و ارسطو و همچنین تعمق در موضوعات نادیده گرفته شده‌ای چون نظریات قرون وسطایی در باب زیبایی و از همه مهمتر، توجه دوباره به زنان نویسنده‌ای مانند سوزان لانگر^۱، سوزان سانتاگ^۲، آیریس مورداک^۳، اوا شاپر^۴ و مری مادرسیل^۵ که نقش‌شان در تاریخ زیبایی‌شناسی قرن بیستم تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است شده‌اند. (مارگارت مک دونالد^۶، هلن نایت^۷، کاترین گیلبرت^۸ و ایزابل کريد هانگرلند^۹ نیز از چهره‌های کمتر شناخته شده هستند؛ گیلبرت و هانگرلند به ترتیب در سال‌های 1946 و 1965 در دوره‌های دو ساله ریاست انجمن زیبایی‌شناسی آمریکا^{۱۰} را بر عهده داشتند.) اگرچه تعداد اندکی از این متفکران خود را به عنوان فمینیست معرفی نموده‌اند، اما خدمات آنها – و خدمات زنان دیگری که هنوز شناخته نشده‌اند – می‌تواند بر وضعیت حاکم بر تفکر در رشته‌ای که تا این اندازه تحت سلطه مردان است، و بر سوال‌هایی پیرامون ارزش هنری و تجربه زیبایی‌شناختی ارجح در نظر آنان پرتو افکند.

پیشنهاد دوم، درخواست برای واکاوی موضوع فمینیستی سازی زیبایی‌شناسی است که کمتر بدان پرداخته شده؛ یک چرخش درون‌نگرایانه دیگر که از فیلسوفان می‌خواهد خودشان را در پرتو یک تصویر بزرگ‌تر و کلی‌تر مجدداً ارزیابی کنند. «فمینیستی سازی زیبایی‌شناسی» به عنوان یک حوزه «لطیف»، در حاشیه زیبایی‌شناسی در قلمروی بزرگ‌تر و «مردانه» فلسفه قرار گرفته است. پرسش‌های بعدی پیرامون نقشی که زیبایی‌شناسی در فلسفه فمینیستی ایفا می‌کند – یا از ایفای آن عاجز است – نیز می‌توانند درک ما از تجربیات زنان به عنوان مفهوم مرکزی پژوهش‌های فمینیستی را بهبود بخشند.

¹ Susanne Langer

² Susan Sontag

³ Iris Murdoch

⁴ Eva Schaper

⁵ Mary Mothersill

⁶ Margaret Macdonald

⁷ Helen Knight

⁸ Katherine Gilbert

⁹ Isabel Credd Hungerland

¹⁰ American Society of Aesthetics

در آخر می توان گفت که فوران اخیر پژوهش ها در زمینه علوم شناختی و چارچوب های «معمارانه» شناختی فردی، احتمالاً بازترین و سریع ترین مسیر برای فراخوانی مطالعاتی در باب جنسیت، نژاد، میل جنسی، قومیت و غیره را فراهم آورده است. فیلسوفان میان رشته ای با ولع زیادی به آرایش و کارکردهای هیجانات، مطالعات روان شناختی در رابطه با ادراک و قضاوت های ارزشی مبتنی بر آن، و نقش خیال پردازی در ساخت داستان علاقه نشان می دهند. همه اینها راه هایی برای آغاز مباحثات جدید پیرامون برخی از سنتی ترین سوالات در زیبایی شناسی معاصر هستند که فرصت های بیشماری را به همراه دارند (کاری¹ 2003). نقاط تلاقی زیبایی شناسی با فلسفه ذهن، روان شناسی عصبی، و روان شناسی رشد پر است از فرضیه های آزمون پذیر و قطعاً تلاش برای بررسی نقشی که جنسیت بازی می کند، ارزشش را دارد!

منابع

Battersby, C. (1989) *Gender and Genius: Towards a New Feminist Aesthetics*, Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.

Borzello, F. (1998) *Seeing Ourselves: Women's Self-portraits*, New York: Harry N. Abrams.

Bovenschen, S. (1985) "Is There a Feminine Aesthetic?" in *Feminist Aesthetics*, ed. G. Ecker, tr. Harriet Anderson, Boston, MA: Beacon Press, pp. 23–50 (originally published 1976).

Brand, P. (1998) "Feminism: Feminism and Tradition," in *Encyclopedia of Aesthetics*, ed. M. Kelly, New York: Oxford University Press, pp. 167–70.

— ed. (2000) *Beauty Matters*, Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.

Brand, P. and Devereaux, M., eds. (2003) *Hypatia: A Journal of Feminist Philosophy* 18 (Fall/Winter), Special Issue: Women, Art, and Aesthetics.

Brand, P. and Korsmeyer, C. (eds.) (1990) *The Journal of Aesthetics and Art Criticism* 48 (4), Special Issue: Feminism and Traditional Aesthetics.

— (eds.) (1995) *Feminism and Tradition in Aesthetics*, University Park: Pennsylvania State University Press.

Broude, N. and Garrard, M.D., eds. (1982) *Feminism and Art History: Questioning the Litany*, New York: Harper and Row.

— eds. (1994) *The Power of Feminist Art: The American Movement of the 1970s, History and Impact*, New York: Harry N. Abrams.

¹ Currie

- Cahill, A.J. (2003) "Feminist Pleasure and Feminine Beautifi cation," *Hypatia: A Journal of Feminist Philosophy* 18, Special Issue: Women, Art, and Aesthetics, eds. P. Brand and M. Devereaux: 42–64.
- Chadwick, W. (2002) *Women, Art, and Society*, London: Thames and Hudson. (Original work published 1990.) Chicago, J. (1996) *Beyond the Flower: The Autobiography of a Feminist Artist*, New York: Viking Press.
- Chicago, J. and Lucie- Smith, E. (1999) *Women and Art: Contested Territory*, New York: Watson- Guptill Publications.
- Cox, Renée (2001) *Renée Cox: American Family*, New York: Robert Miller Gallery.
- Currie, G. (2003) "Aesthetics and Cognitive Science," in *The Oxford Handbook of Aesthetics*, ed. J. Levinson, Oxford and New York: Oxford University Press, pp. 706–21.
- Deepwell, K., ed. (1995) *New Feminist Art Criticism*, Manchester: Manchester University Press.
- Devereaux, M. (2003) "Feminist Aesthetics," in *The Oxford Handbook of Aesthetics*, ed. J. Levinson, Oxford and New York: Oxford University Press, pp. 647–66.
- Eaton, A. (2005) "Feminist Aesthetics and Criticism," in *Encyclopedia of Philosophy*, 2nd edn, ed. D. Borchert, Basingstoke: Macmillan.
- Farris- Dufrene, P. (1997) *Voices of Color: Art and Society in the Americas*, Atlantic Highlands, NJ: Humanities Press International.
- Felski, R. (1989) *Beyond Feminist Aesthetics: Feminist Literature and Social Change*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Florence, P. and Foster, N., eds. (1998) "Review Essay and Call for Papers," *Women's Philosophy Review* 19 (Autumn).
- eds. (2000a) *Women's Philosophy Review* 25 (Autumn), Special Issue: Aesthetics.
- eds. (2000b) *Differential Aesthetics: Art Practices, Philosophy and Feminist Understandings*, Aldershot and Burlington VT: Ashgate Publishing.
- Freeland, C. (2001) *But Is It Art?* Oxford: Oxford University Press.
- Frueh, J. (2001) *Monster/Beauty: Building the Body of Love*, Berkeley, Los Angeles, London: University of California Press.
- Greer, G. (1979) *The Obstacle Race: The Fortunes of Women Painters and Their Work*, New York: Farrar Straus Giroux.
- Guerilla Girls (1995) *Confessions of the Guerilla Girls*, New York: HarperPerennial.
- (1998) *The Guerilla Girls' Bedside Companion to the History of Western Art*, New York: Penguin Books.

- (2003) *Bitches, Bimbos and Ballbreakers: The Guerilla Girls' Illustrated Guide to Female Stereotypes*, New York: Penguin Books.
- (2004) *The Guerilla Girls' Art Museum Activity Book*, New York: Printed Matter.
- Harris, A.S. and Nochlin, L. (1976) *Women Artists: 1550–1950*, New York: Alfred A. Knopf and the Los Angeles County Museum of Art.
- Hein, H. and Korsmeyer, C., eds. (1990) *Hypatia: A Journal of Feminist Philosophy* 5 (2), Special Issue: Feminism and Aesthetics.
- eds. (1993) *Aesthetics in Feminist Perspective*, Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.
- Hess, T.B. and Baker, E.C., eds. (1973) *Art and Sexual Politics: Women's Liberation, Women Artists, and Art History*, New York and London: Collier Macmillan.
- Hoban, P. (2004) "Masks Still in Place but Firmly in the Mainstream," *New York Times*, January 4, AR34, 37.
- Hutcheson, F. (1977) *An Inquiry into the Original of Our Ideas of Beauty and Virtue*, in *Aesthetics: A Critical Anthology*, eds. G. Dickie and R.J. Sclafani, New York: St Martin's Press, pp. 569–91.
- Irigaray, L. (1974/1985) *Speculum of the Other Woman*, tr. G.C. Gill, Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Isaak, J.A. (1996) *Feminism and Contemporary Art: The Revolutionary Power of Women's Laughter*, New York: Routledge.
- Korsmeyer, C. (1999) *Making Sense of Taste: Food and Philosophy*, London and Ithaca, NY: Cornell University Press.
- (2004a) *Gender and Aesthetics: An Introduction*, New York and London: Routledge.
- (2004b) "Feminist Aesthetics," in the *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, <http://plato.stanford.edu/entries/feminism-aesthetics/>
- Kristeva, J. (1982) *The Powers of Horror: An Essay in Abjection*, tr. L.S. Roudiez, New York: Columbia University Press.
- Lauter, E. (2003) "Aesthetics in Crisis: Feminist Attempts to Create an Interdisciplinary Discourse," *Hypatia: A Journal of Feminist Philosophy* 18: Special Issue: Women, Art, and Aesthetics: 273–82.
- Levinson, J. (ed.) (1998) *Aesthetics and Ethics: Essays at the Intersection*, Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Lintott, S. (2003) "Sublime Hunger: A Consideration of Eating Disorders Beyond Beauty," *Hypatia: A Journal of Feminist Philosophy* 18: Special Issue: Women, Art, and Aesthetics: 65–86.
- Lippard, L.R. (1984) *Get the Message? A Decade of Art for Social Change*, New York: E.P. Dutton.

Meyers, D.T. (2002) *Gender in the Mirror: Cultural Imagery and Women's Agency*, Oxford and New York: Oxford University Press.

The Monist (1973) Special Issue: Women's Liberation: Ethical, Social, and Political Issues, 57 (1).

Nochlin, L. (1988) "Why Have There Been No Great Women Artists?" in *Women, Art, and Power and Other Essays*, New York: Harper and Row, pp. 1–36.

Pacteau, F. (1994) *The Symptom of Beauty*, Cambridge, MA: Harvard University Press. Parker, R. and Pollock, G. (1981) *Old Mistresses: Women, Art and Ideology*, New York: Pantheon.

Petersen, K. and Wilson, J.J. (1976) *Women Artists: Recognition and Reappraisal from the Early Middle Ages to the Twentieth Century*, New York: Harper and Row.

The Philosophical Forum 5 (1–2) (1973–4), Special Issue: Women and Philosophy.

Piper, A. (1996) *Out of Order, Out of Sight*, 2 vols., Cambridge, MA: MIT Press.

Robinson, H. (2001) *Feminism – Art – Theory: An Anthology 1968–2000*, Oxford and Malden, MA: Blackwell Publishers.

Rooks, N.M. (1996) *Hair Raising: Beauty, Culture, and African American Women*, New Brunswick, NJ, and London: Rutgers University Press.

Schor, N. (1987) *Reading in Detail: Aesthetics and the Feminine*, New York and London, England: Methuen.

Shusterman, R. (2003) "Somaesthetics and *The Second Sex*: A Pragmatist Reading of a Feminist Classic," *Hypatia: A Journal of Feminist Philosophy* 18, Special Issue: Women, Art, and Aesthetics: 106–36.

Steiner, W. (2001) *Venus in Exile: The Rejection of Beauty in 20th-century Art*, New York: The Free Press.

Tufts, E. (1975) *Our Hidden Heritage: Five Centuries of Women Artists*, New York: Paddington Press.

Worth, S. (1998) "Feminism and Aesthetics," in *The Routledge Companion to Aesthetics*, eds. B. Gaut and D.M. Lopes, London: Routledge.